

شناخت نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۷۱۶۵

اسرا نوروزی^۱

چکیده

از پدیده های مهمی که در زندگی اجتماعی انسانها رخ داده است، ظهور شهرها و روستاها و ارتباط پیچیده بین آنهاست. هدف از شناخت روابط متقابل شهر و روستا و نتایج مثبت و منفی حاصل از این روابط، برنامه ریزی در جهت ایجاد تعادل در رابطه شهر با روستاهای پیرامونی است، که هدف نهایی این شناخت و برنامه ریزی، رسیدن به توسعه ای هماهنگ و پایدار در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... و ایجاد رفاه برای ساکنین شهر و روستاها است. بنابراین با بررسی روابط متقابل شهر با روستاهای همجوار و شناخت اثرات مثبت و منفی حاصل از این روابط در صورت تدوین برنامه ای مناسب و منطقی و اجرای آن می توان به تعادل در رابطه شهر و روستا دست یافت و از اثرات منفی گسترش فیزیکی شهر بر روستاهای پیرامونی کاسته و اثرات مثبت آن را تثبیت نمود. عناصر گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ساختار عرصه های روستایی و شهری دخالت دارند و روابط موجود میان آنها را نمی توان بسادگی در چهارچوب های ذهنی و از پیش تعیین شده بررسی کرد؛ اما از آنجا که نظریه ها می توانند به شناخت جنبه های گوناگون روابط شهر و روستا و فعال سازی ذهن و درک بهتر آنها کمک کنند می توان آنها را با توجه به قابلیت های خاص به کارگرفت. بنابراین در این مقاله نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و ایران در جهت دستیابی به توسعه پایدار به صورت توصیفی و مقایسه ای بیان شده است. نتیجه ایی که حاصل شد بدین صورت است که به طور کلی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط شهر و روستا در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. بنابراین در بررسی روابط روستایی- شهری در مناطق مختلف باید شرایط خاص را در کنار قانونمندیهای کلی و عام در نظر گرفت. در کشور ما با توجه به ویژگی های خاص جغرافیای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط بین آنها با کشورهای صنعتی و پیشرفته متفاوت بوده و بنابراین این نظریات، بصورت کلی قابل تعمیم به روستاها و شهرهای کشور ما نیستند و روابط بین شهر و روستا در ایران با کشورهای جهان اول متفاوت است.

واژگان کلیدی: شهر، روستا، روابط متقابل شهر و روستا، نظریه، توسعه پایدار

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی (Sono21521@yahoo.com)

۱- مقدمه

نحوه و دامنه روابط موجود میان شهر و روستا به صورتهای گوناگون بر شکل پذیری، رشد و توسعه سکونتگاههای روستایی و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آنها اثر می گذارد. در خصوص نحوه این تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری، مفاهیم و نظرات مختلفی مطرح شده است. (سعیدی؛ ۱۳۸۱، ۱۲۳)

عناصر گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ساختار عرصه های روستایی و شهری دخالت دارند و روابط موجود میان آنها را نمی توان بسادگی در چهارچوب های ذهنی و از پیش تعیین شده بررسی کرد؛ اما از آنجا که نظریه ها می توانند به شناخت جنبه های گوناگون روابط شهر و روستا و فعال سازی ذهن و درک بهتر آنها کمک کنند می توان آنها را با توجه به قابلیت های خاص به کارگرفت.

۲- تعاریف و مفاهیم

در این بخش به شرح تعاریف و مفاهیم موجود در تحقیق می پردازیم، که به شرح ذیل می باشند:

۱-۲- تعریف شهر

شهر یک مکان جغرافیایی ساخته‌ی دست انسانهاست، که محل استقرار و فعالیت بشر بوده و با داشتن شاخص‌هایی چون جمعیت بیشتر، خدمات بیشتر، کالبد فیزیکی متفاوت (خیابان کشی، مبلمان شهری و وجود ادارات و دستگاه‌های مختلف و خصوصاً" شهرداری و وجود روابط پیچیده میان انسانها و اجزاء فیزیکی آن از روستا متمایز است. شهرا در فارس باستان «خشت» می‌گفته‌اند که به معنی قلمرو پادشاه است. در اوستا این واژه به صورت «خشته» آمده است. واژه فارسی شهر از همین واژه اوستایی است. در روزگار ساسانی به معنای امروزی آن، شهرستان خوانده می‌شده است، که از واژه شهر و ستان تشکیل یافته بود. واژه ستان یا استان به معنای جا و مکان می‌باشد. (نظریان؛ ۱۳۷۴، ک)

تعریف عددی ساده‌ترین تعریفی است، که می‌توان از شهر نمود، شهر مرکزی از اجتماع نفوس که در نقطه‌ای گرد آمده و تراکم انبوهی جمعیت در آن از حد معینی پایین تر نباشد. بر این اساس، در بیشتر ممالک، حد جمعیت شهر ۲۵۰۰ نفر است. تعداد و رقم شاخص برای شناخت شهر، هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی متفاوت است و مهمتر آنکه در هر کشوری بنا به موقعیت خاص آن کشور حد جمعیت شهر تفاوت می‌کند. (شعبه؛ ۱۳۸۱، ۵)

بر اساس معیار جمعیتی کنفرانس اروپایی آمار در شهر پراگ، کلیه واحدهای جغرافیایی با بیش از ۲۰۰۰ نفر، بیش از ۲۵ درصد از ساکنان خود را از کار و فعالیت بر روی زمین، معاش ندهند. (پناهی؛ ۱۳۷۸، ۲۱) تعریف شهر در قانون جدید تقسیمات کشوری اینگونه اتخاذ شده است، که در آن کلیه نقاط دارای شهرداری در زمان تصویب قانون را شهر دانسته و ایجاد شهرداری در نقطه دیگری در آینده را موکول به داشتن حداقل ۱۰ هزار نفر شمرده است. (زنجانی؛ ۱۳۶۶، ۵)

شهر یا نقطه شهری در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، که در سال ۱۳۷۵ انجام گرفت، چنین تعریف شده است: منظور از شهر، هر یک از نقاط است، که دارای شهرداری باشد. (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۷۵، ۴)

تعریف تاریخی: برخی از علما معتقدند که مراکزی که از قدیم نام شهر به آنها اطلاق شده است، به عنوان شهر، شناخته می شوند و در واقع به افتخار قدمتی که دارند، همیشه شهر باقی می‌مانند.

تعریف حقوقی: نوع دیگر تعریف شهر تعریف حقوقی و اداری است. در دوره های گذشته، شهرها دارای امتیازاتی بودند که در روستاها وجود نداشت، مانند بسیاری از شهرهای قرون وسطایی که حق داشتند، برای خود بازار داشته باشند یا به خدمات نظامی بپردازند، در حالی که روستاها از این امتیازات، برخوردار نبودند. (شعبه؛ ۱۳۸۱، ۵)

به نظر جغرافیدانان، شهر منظره‌ای مصنوعی از خیابانها، ساختمانها، دستگاهها و بناهایی است، که زندگی شهری را امکان پذیر می‌سازد. جغرافیدانان، شهر را به عنوان یک واحد مجزا به حساب نیاورده و ارتباط متقابل آن را با منطقه و کشور مورد مطالعه قرار می‌دهند. (همان؛ ۶) در بیان کلی می‌توان گفت شهر، موجودی است زنده و پویا و متحول در بستر زمان و بر پهنه مکان، متشکل از اجزای فیزیکی و انسانی و روابط پیچیده میان آنها و متبلور از نقش انسان و اندیشه والای او و متأثر از عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و... (دهاقانی؛ ۱۳۷۴، ۳۱)

۲-۲- تعریف روستا

از آنجا که در این تحقیق، روابط شهر و روستا و تأثیر شهر بر روستا مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین تعریف روستا بعنوان اولین مکان استقرار انسانها، که با مازاد اقتصادی خود منشأ ایجاد شهر بوده، ضروری است. روستا یک واحد جغرافیایی است که در

آند پدیده های اجتماعی و طبیعی به طور چشم گیری در هم آمیخته اند؛ این درهم آمیختگی از ویژگیهای مهم روستا و شاخص عمده ای برای تمیز شهر از روستاست. (مهدوی؛ ۱۳۸۳، ۴) روستا محیط زیست، کار و تلاش و تولید گروهی از انسانهاست که در گذشته، در نظام تولیدی خود بیش از محیط شهر وابسته به مکان روستا بوده اند در حال حاضر روستا مکان زیستی و تولیدی تعدادی از جمعیت می باشد که از نظر ساکنان دارای جمعیت کمتری نسبت به شهر است. (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۲، ۳۴)

«در فرهنگهای فارسی، روستا را ده و قریه ذکر کرده اند. در زبان پهلوی به روستا، روستاک می گفتند. «مغرب آن روستاق، جمع: رساتیق» وزداق، رسداق و رستاک ناحیه ای است، در خارج از شهر، مشتمل بر چند ده و مزرعه که در آن تولید روستایی حاکم است. متقدمان عموماً مفهوم روستا را از ده وسیعتر دانسته اند». (فشارکی؛ ۱۳۷۵، ۱۹)

روستا زیستگاه جماعتی از مردم بر یک عرصه طبیعی برای کشاورزی است. این زیستگاه کشاورزی را بر حسب عناصر اصلی آن می توان به این صورت تعریف کرد: ۱- روستا مشخصات جمعیتی ویژه خود دارد. ۲- روستا یک جامعه مستقل است. ۳- روستا هویت فرهنگی دارد. ۴- روستا هویت تاریخی دارد. ۵- روستا یک زیست بوم است. ۶- روستا نظام رهبری محلی ناظر بر اداره مربوط به خود را دارد. (پاپلی یزدی؛ ۱۳۸۲، ۵۶)

کازم ودیعی در کتاب مقدمه ای بر روستاشناسی ایران، روستا را از دیدگاه جغرافیایی تعریف کرده و در این تعریف، وحدت جغرافیایی را اساس قرار داده و چنین می گوید: «چنانچه وحدت جغرافیایی را ملاک قرار داده و مناطق را بر حسب واحدهای جغرافیایی تشکیل دهنده آن تجزیه کنیم، به کوچکترین واحد جغرافیایی در داخل قلمرو جغرافیایی وسیع ایران، یعنی روستا یا ده خواهیم رسید، به عبارت دیگر روستا یا ده کوچکترین مرکز تجمع یا حیات انسان در کشور ماست، که ضمناً شخصیت اداری، سیاسی یافته است». (ودیعی؛ ۱۳۵۲، ۴۱-۳۸)

برای اولین بار در قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ روستا در نظام حقوقی ایران این چنین تعریف شد: ده یا قریه عبارت است: از یک مرکز جمعیت و محل سکونت تعدادی خانوار که در اراضی آن ده به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آنان از طریق کشاورزی حاصل گردد و عرفاً در محل ده یا قریه شناخته می شود. (مهندسین مشاور هامون پاد؛ ۱۳۷۲، ۲۳۱)

در سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ در تعریف آبادی (نقطه روستایی) آمده است: آبادی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی بهم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) گفته می شود، که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتی و یا عرفی مستقل می باشد. اگر آبادی در زمان سرشماری محل سکونت خانوار یا خانوارهایی باشد، (دارای سکنه) و در غیر اینصورت (خالی از سکنه) تلقی می شود. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ نیز تعریف آبادی (نقطه روستایی) با تعریف آن در سال ۱۳۶۵ تفاوتی نداشته است. (سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۷۵)

روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز و پیوسته یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتی و یا عرفی تشکیل می شود و اکثریت شاغلان دائمی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی، زراعی، دامداری، باغداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیت ها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می کنند و پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی مابین جامعه آنها برقرار است و در عرف به عنوان آبادی، دهکده، قریه و یا نهایتاً "روستا یا ده شناخته می شود. (ضیاء توانا؛ ۱۳۶۹، ۵)

۲-۳- ملاک های شناخت شهر از روستا

در سال ۱۹۶۷ کارشناسان سازمان ملل برای شناخت شهر از روستا معیارهایی را ارائه دادند، که به شرح زیر می باشد:

(الف) حوزه اداری: با انتخاب ملاک اداری در شناخت شهر از روستا برجسته های تاریخی و سیاسی اداری بیش از موارد آماری تأکید می شود.

(ب) نوع فعالیت های اقتصادی: مکان هایی که در آنها سهم بیشتری از نیروی کار در نوع ویژه ای از فعالیت های غیر کشاورزی جذب شده باشند، به عنوان شهر شناخته می شوند.

(ج) میزان جمعیت: گاهی اوقات ملاک جمعیتی اساس کار قرار می گیرد و در شناخت شهر از روستا، حداقل جمعیت به عنوان معیار قرار می گیرد.

(د) مشخصات شهری: شهر جایی است، که در آن مشخصات شهری نظیر خیابان ها، ساختمان های عمومی و خدمات عمومی (مثل لوله کشی، فاضلاب، برق و...) وجود داشته باشد.

(س) حوزه دولت محلی: در اینجا حداقل جمعیت ملاک قرار نمی گیرد، بلکه تأکید روی دولت محلی است. (Lang, 1986)

زیمرن و سورگین هشت خصیصه را برای تمیز شهر از روستا به طور جمعی عنوان می کنند: ۱- شغل ۲- محیط ۳- اندازه اجتماع ۴- انبوهی جمعیت ۵- تجانس و عدم تجانس ۶- تفاوتها و قشربندی اجتماعی ۷- تحرک ۸- نظام کنش و واکنش متقابل، یعنی شمارش و نوع تماس ها. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۱۷۴)

جامعه شناسان در شناخت شهر از روستا سه بعد مهم را مورد توجه قرار می دهند:

۱- گرایش به آزادی های مدنی

۲- گرایش به محدودیت اولاد

۳- گرایش به یکپارچگی اجتماعی

جغرافیدانان در این مورد برای طبقه بندی زمین، بیشتر از سایر ملاک ها اعتبار قائل می شوند و در شناخت شهر از روستا به چند ملاک توجه دارند، مانند: کاربری زمین، شرایط محیطی، میزان تراکم جمعیت، قشربندی اجتماعی، میزان تجانس و عدم تجانس جمعیت. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۶۸)

۲-۴- نقش یا کارکرد^۱

واژه نقش در فرهنگ های مختلف در معانی متفاوتی به کار رفته است، مثلاً "در فرهنگ لغات آکسفورد آمده است: رل یا نقش عبارتست از: آن جنبه ایفا کننده فعالیت، حرکت و تحقق یک پدیده در یک زمینه و حیطه وسیع تر. در فرهنگ وبستر اشاره شده که نقش عبارت است از: کاراکتری که فعالیت یک پدیده را در زمینه ای نشان می دهد. در تبیین علی امور، نقش یا کارکرد عبارتست از: دو اثری که هر پدیده در زنجیره پدیده هایی که با آنها مرتبط است، باقی می گذارد. از این رو با توجه به مجموعه تعاریف و شناسه های مذکور، می توان در این رویکرد، نقش یا کارکرد را در معیارهای تاثیرگذاری ساختار جمعیتی - اقتصادی یک پدیده جغرافیایی (شهر) برحوزه پیرامونی و فراتر از آن (منطقه) دانست. (فنی؛ ۱۳۸۲، ۱۴) تالکوت پارسنز مهم ترین نظریه پرداز کارکردی - ساختاری معتقد است که یک کارکرد، «مجموعه فعالیت هایی است، که در جهت برآوردن نیاز یا نیازهای نظام انجام می گیرد». (ریترز؛ ۱۳۷۴، ۱۳۱)

۲-۵- مفهوم فضا^۲

مفهوم فضا در ابعاد جامع خود تجلی گاه رابطه میان تمام فعالیت های انسانی است. این فعالیتها هرکدام به گونه ای متفاوت اثرات خود را بر جای نهاده و چشم اندازه های گوناگونی را به وجود می آورند. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۸۶) فضا مجموعه ای از انسانها، محیط طبیعی و محیط مصنوعی است. به بیان دیگر فضا محدود به ابعاد فیزیکی نشده و آنچه را در خود داشته اعم از فیزیکی و غیر فیزیکی و با ایستا و پویا را شامل شده و دارای بعد زمان است. (صرافی؛ ۱۳۶۴، ۴)

۲-۶- فضای جغرافیایی

در جغرافیا، فضای جغرافیایی شامل فرآیندهای طبیعی تغییر یافته به وسیله انسان، شرایط اجتماعی تولید و تقسیم کار، در یک محل منتظم می باشد. در واقع فضای جغرافیایی بخشی از سطح زمین است که به همراه درون مایه ای مادی و اجتماعی بوجود می آید. (شکویی؛ ۱۳۷۵، ۱۱۸) فضای جغرافیایی فضایی است، که به وسیله ای انسانها در ارتباط با نظام های فکری و براساس نیازهای آنها به شدت ادراک می شود یا فضای جغرافیایی مشتمل است بر فضای قابل سکونت، جایی که ادراک شرایط طبیعی، سازمان بندی زندگی اجتماعی را میسر می سازد و فضایی است عینی، که مجموعه روابط و مناسبات متحول می گردد. این روابط در چهارچوب معینی یعنی در سطح زمین استقرار می یابد. (دلفوس؛ ۱۳۶۹، ۱۷۴)

۲-۷- عوامل موثر در برقراری روابط شهر و روستا

نخستین عامل موثر در تعیین جایگاه شهر و روستاها، ارتباط بین آنها، مناسب بودن شرایط طبیعی اعم از شکل ناهمواریها، ارتفاع مکان، موقع عمومی و خصوصی، آب و هوا، شبکه ای آنها، جنس خاک و دیگر مسائل طبیعی است. در مکان هایی که این شرایط امکان ایجاد و پیدایش مراکز شهری و روستایی را فراهم ساخته است، شهرها و روستاها ایجاد شده و بین آنها نیز ارتباط برقرار شده است. این ارتباط بین مراکز شهری و روستایی در مناطق مختلف کشور یکسان نبوده و با تأثیرپذیری از شرایط حاکم تفاوت و متنوع است. (رضوانی؛ ۱۳۷۷، ۱۴۲)

1 - Function

2 - Space

از دیگر عوامل موثر در برقراری رابطه‌ی شهر و روستا، عامل اقتصادی است. تفاوت های مکانی منابع اقتصادی و ثروتی در کشور موجب اختلاف در چشم اندازهای شهری و روستایی شده و در این رابطه هر یک از شهرها و روستاها بافت اقتصادی خاص منطقه ای خود را گرفته و نقش و عملکرد خود را نیز از همان شرایط باز یافته است. از این جهت توان اقتصادی نواحی مختلف کشور رابطه نزدیکی با پراکندگی شهرها و روستاها داشته و چگونگی مبادلات تجاری و اقتصادی بین آنها را نیز تعیین می کند. تحولات و دگرگونی هایی که به ویژه در سال های اخیر، در زمینه‌ی استفاده از وسایل نقلیه به صورت گوناگون به عنوان یک پدیده ی کاملاً جدید به وقوع پیوسته است، عامل دیگری برای ایجاد ارتباط بین شهر و روستاست، که به تحکیم روابط اقتصادی شهر و روستا نیز می افزاید. در مراکز شهری نقش بازار به عنوان یک عامل موثر در ایجاد ارتباط با روستاها را نباید از نظر دور داشت. (پیشین؛ ۱۴۳)

همان گونه که عوامل طبیعی و اقتصادی در رابطه ی شهر و روستا نقش دارند، عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در این میان حائز اهمیت هستند. عوامل اجتماعی نه تنها در مکان گزینی مراکز شهری و روستایی نقش دارند بلکه در ارتباط بین شهر و روستا نیز مؤثر واقع شده و ایفای نقش می نمایند. در میان این گونه عوامل، مذهب نقش مهمتری را ایفا می کند و پیروان مذاهب هر کدام به لحاظ وحدت مذهبی خود در سایر روابط اجتماعی، از جمله آداب و رسوم و مراسم مذهبی و اعتقادات محلی با یکدیگر در رابطه بوده و جدایی مکانی بین آنها مانع از روابط فرهنگی و اجتماعی آنها نمی شود. (پیشین؛ ۱۴۴)

عامل سیاسی و اداری هم در ایجاد ارتباط بین شهر و روستا نقش داشته و نقش دولت در ارائه خدمات و برنامه ریزی برای گسترش شهرها و روستاها رفته رفته بیشتر شده است و عملکرد سازمان های اداری و دولتی از جمله عواملی محسوب می شود، که نه تنها در بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها تأثیر می گذارد، بلکه روستاهای کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده و در ایجاد رابطه بین شهر و روستا نقش عمده ای را ایفا می کند. (پیشین؛ ۱۴۴)

۲-۸- انواع رابطه میان شهر و روستا از نظر مبدأ و مقصد

به طور کلی در هر نقطه برای تأمین نیازمندی‌ها سه نوع رابطه وجود دارد: ۱- روابطی که از سوی روستا اعمال می شود. ۲- روابطی که از سوی شهر اعمال می شود. ۳- روابطی که هم از سوی شهر و هم از سوی روستا اعمال می شود. (زیاری؛ ۱۳۸۴، ۸۴)

۳- نظریات روابط متقابل شهر روستا

در این قسمت به شرح مختصری از نظریات ارائه شده توسط نظریه پردازان در مورد روابط متقابل شهر و روستا می پردازیم:

۳-۱- نظریه رشد متوازن

در این نظریه اعتقاد بر اینست که، زمانی تعادل بین روابط شهر و روستا برقرار می شود، که هم شهر و هم روستا بصورت یکسان و متعادل به رشد و توسعه اقتصادی دست یابند، بنابراین هر دو به یک اندازه به هم نیاز خواهند داشت و رابطه بین آنها متعادل و متقابل خواهد بود.

به عقیده آدام اسمیت^۱، ثروت ملل یا به قول امروزها توسعه اقتصادی، تابعی از تقسیم کار است و پیشرفت تقسیم کار تابعی از گسترش و فزونی گرفتن مبادلات. اسمیت در کتاب سوم ثروت ملل برآموزه (دکترین) رشد متوازن، که در فرهنگ توسعه دهه ۱۹۵۰ نظریه‌ای چشمگیر است، تأکید می کند. (پاپلی یزدی، رجبی، سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۲) تنها مازاد تولید روستا (یا مازاد بر نیاز کشاورزان) است، که حداقل معیشت شهرها را تشکیل می دهد. بنابراین معیشت شهرها را می توان تنها با افزایش دادن این مازاد زیادت‌تر کرد. شهر یک بازار یا نمایشگاه دائمی برای ساکنان روستاست تا از آن طریق به مبادله مواد خام خود با تولیدات صنعتی بپردازند. با این نوع تجارت است که ساکنان شهرها می توانند از مواد اولیه و وسایل معیشت، برخوردار شوند. مقدار کالای ساخته شده ای که آنها به ساکنان روستا می فروشند، ضرورتاً^۲، تنظیم کننده مقدار مواد اولیه و خواروباری است که خریداری می کنند. بنابراین اشتغال یا معیشت آنها تنها به تناسب افزایش تقاضای روستائیان برای کالاهای صنعتی افزایش می یابد و این افزایش تقاضا نیز تنها به تناسب توسعه و کشت اراضی، تحقق می یابد. (اسمیت؛ ۱۷۷۶، ۲۲)

بنابراین از افکار اسمیت اینگونه استنباط می شود، که تعادل بین آنها، شدیداً^۳ به میزان توسعه اقتصادی یکدیگر وابسته است و در صورتی این روابط متعادل می شود، که رکود عمومی اقتصاد مشهود نباشد، در غیر اینصورت این روابط هماهنگ و متعادل، به علت شرایط و خصوصیات ویژه شهر(سیاسی بودن، مرکز نخبان قرار داشتن و...) به نفع شهرها و به ضرر روستاها تغییر می یابد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۳)

1-Adam Smith

۲-۳- نظریه گرایش معطوف به شهر

مایکل لیپتون^۱ از معروفترین نظریه‌پردازان سالهای اخیر است، که تأثیرات نفوذ مؤثر شهر به روستا را مورد تحلیل قرار داده است. وی می‌گوید: امروزه در کشورهای فقیر دنیا بر خورد طبقاتی، نه میان نیروی کار و سرمایه و نه میان منافع خارجی و منافع ملی است، بلکه میان طبقات روستایی و طبقات شهری صورت می‌گیرد. او بر زمینه‌های کاملاً "روشن، در تخصیص منابع در امر توسعه روستایی تأکید می‌کند. به نظر او قدرت مردم شهری به حدی است، که می‌توانند منافع عمده یک کشور را جهت سودیابی خود به شهرها اختصاص دهند و منافع تخصیص منابع را دور از جمعیت روستایی نگه دارند، زیرا نفوذ مؤثر شهر بر حوزه‌های روستایی، نه تنها مردم فقیر را در فقر نگه می‌دارد، بلکه موجب نابرابری‌هایی در داخل حوزه‌های روستایی نیز می‌شود. (Lipton, 1982. 66-814)

«در تخصیص منابع بین شهر و روستا بیشتر اولویتهای شهری مد نظر است و نه رعایت عدالت اجتماعی یا کارایی. گرایش معطوف به شهر همچنین ناکارایی و نابرابری درون بخشها را نیز افزایش می‌دهد» (پاپلی یزدی، رجبی سانجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۶) عده‌ای از محققان در انتقاد از نظریات لیپتون به این موارد اشاره می‌کنند:

الف) نمی‌توان بین جوامع شهری و روستایی، تنها به دلیل به دست آوردن هزینه‌های روستایی به وسیله جمعیت شهری، تفکیکی قائل شد.

ب) مفهوم طبقه در نظریه لیپتون چندان مشخص نیست.

ج) در این نظریه، واقعیت سیاست هم پیمانی شهر بر ضد روستا، روشن نیست. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۴-۳۱۳)

۳-۳- نظریه‌ی دور و تسلسل فقر و روابط شهر و روستا

این نظریه که به وسیله ی نورکس مطرح شد بر پایه‌ی تفکرات کینزی بود. در این نظریه دو نیروی متقابل موجب پایین آمدن درآمد سرانه و عقب ماندگی در جهان سوم است. یکی ارتباط بین فقدان سرمایه، درآمد و پس انداز است. به طوری که درآمد پایین منجر به ظرفیت کم پس انداز می‌شود، از طرف دیگر درآمد پایین نتیجه‌ی سطح نازل بهره‌وری نیروی کار است و تا حد زیادی از کمبود سرمایه ناشی می‌شود و کمبود سرمایه نیز نتیجه‌ی ظرفیت پایین پس انداز است، به این ترتیب دور تسلسل بین پس انداز و درآمد وجود می‌آید. (پاپلی یزدی، رجبی سانجردی، ۱۳۸۲، ۲۷۰) به نظر نورکس عدم انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری از پایین بودن قدرت خرید مردم که خود نتیجه‌ی سطح پایین بهره‌وری است، شکل می‌گیرد. سطح نازل بهره‌وری ناشی از سطح پایین سرمایه‌ی به کار رفته در تولید است، که حداقل بخشی از آن به خاطر عدم انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری است. (پروین؛ ۱۳۷۵، ۲۱) در این نظریه، روند شهرگرایی و رابطه‌ی آن با فقر توده‌های انبوه جمعیت کشورهای جهان سوم، به ویژه در روستاها، مطالعه می‌شود. ضرورت برنامه‌ریزی برای تامین نیازهای اساسی مردم، مطرح می‌شود و ضمن تأکید بر نقش تامین این نیازها در رشد اقتصادی، به نقش اصلی سیستم شهری کارآمد در توزیع نیازهای اساسی توجه می‌شود. در نظریه تسلسل فقر توده‌ها، برای رسیدن به یک سیاست توسعه و تامین عدالت اجتماعی در کشورهای جهان سوم، تامین امکانات، فرصتهای شغلی و خدمات مورد نیاز در شهرهای کوچک و روستاها ضروری می‌نماید. در این نظریه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و تحلیل کارکردی از سیستمهای شهری و نقش آنها در اقتصاد ملی، بیشتر مورد توجه است. (Armstrong and T.G, 1985:13)

۴-۳- نظریه‌ی تفاوت پایه‌ای شهر و روستا

پل سینجر معتقد است، که برای درک مسأله‌ی پیدایش شهر، ابتدا باید تفاوت و رابطه‌ی شهر و روستا را بررسی کرد. بدین ترتیب که روستا، احتیاجات اولیه و معیشتی خود را در طبیعت فراهم می‌کند، بنابراین روستا خودکفاست. در صورتی که شهر، به عنوان محل طبقه‌ی حاکم و مفر قدرت، برای رفع نیازهای اولیه‌ی خود، محتاج روستاست. در این صورت، شهر زمانی می‌تواند وجود داشته باشد، که نیروهای تولیدی در روستا قادر باشد، بیش از نیاز خود تولید کند. ولی تنها تولید مازاد برای ایجاد شهر کافی نیست، بلکه باید روابطی به وجود آید تا جریان مداوم انتقال مازاد مذکور از روستا به شهر تضمین شود. (پاپلی یزدی، رجبی سانجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۱) سینجر می‌گوید: که وجود جامعه‌ی طبقاتی است، که موجب مداوم انتقال مازاد از روستا به شهر می‌شود. به عبارتی دیگر، در جامعه‌ای که مساوات و عدالت اجتماعی وجود دارد و همه به طور یکسان و مشابه در تولید و تصاحب محصولی شرکت می‌کنند، مازاد تولید هم می‌تواند وجود داشته باشد، ولی مسأله‌ی اساسی چگونگی پیدایش طبقه‌ای است، که در تولید شرکت نکرده است و مازاد محصولی را که به وسیله‌ی بخش دیگر جامعه تولید می‌شود، تصاحب می‌کند. (عابدین درکوش؛ ۱۳۶۴، ۱۹)

1 - Micheal Lipton

۳-۵- نظریه نقش نخبگان در کانالیزه کردن اطلاعات از مرکز به پیرامون

هیلمهورست به نقش روشنفکران، مدیران و تجار در کانالیزه کردن اطلاعات از مرکز به پیرامون اشاره می کند و نقش یک دسته روشنفکر در تثبیت شکاف نظام اجتماعی شهر و روستا و نقش روشنفکران مخالف را در از بین بردن این شکاف روشن می سازد. نقش مدیران در توسعه‌ی نفوذ شهر، به وسیله‌ی نظم اداری خاص و مطرح شدن فضای سیاسی شهر مرکزی که شهرستان‌ها و روستاها را مغلوب قانون مرکز می کند، اعمال می شود. هورست درباره‌ی رابطه‌ی بین اندازه‌ی شهرهای یک کشور با روش تصمیم‌گیری در آن شهرها معتقد است که نظام سیاسی مبتنی برتمرکز زدایی کامل، به نوعی توزیع اندازه شهری منجر می شود، که تمام مراکز تقریباً با اندازه‌ی کوچک، شبیه به یکدیگر خواهند بود. (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۲)

در مقابل اگر تصمیمات در یک مرکز اتخاذ شود، این مرکز کانون تمام اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های اصلی می‌شود و توزیع به دست آمده‌ی اندازه‌ی شهرها نمونه‌ی کامل توزیع مادر شهر می شود، یعنی یک شهر بزرگ در کنار تعداد زیادی سکونتگاه‌های مشابه کوچک قرار می گیرد. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری و نظام اطلاعات متمرکز، به برنامه‌ریزی متمرکز، تمرکز گرایی اداری، تجاری و تولیدی و به دنبال آن تمرکز جمعیتی و خدماتی منجر می‌شود. در نتیجه با نهادها و سازمان‌هایی که در جهت اعمال کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تخصصی شده‌اند، روبه‌رو می‌شویم مرکز از طریق شبکه‌ی ارتباطات تصمیم می‌گیرد، چه کالایی در پیرامون انتقال یابد و به کجا رود. در مجموع برای تبیین رابطه‌ی مرکز-پیرامونی در سطح منطقه، باید جریان‌های مربوط به قطبی شدن سیاسی، اقتصادی و خدمات اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. علاوه بر آن باید رابطه‌ی سلطه‌ی مرکز بر پیرامون هم از لحاظ ساخت و هم از لحاظ اندازه و جمعیت - که رابطه‌ی متقابلی نیز بین این دو حاکم است - مورد بررسی قرار گیرد. (افروغ؛ ۱۳۷۳، ۳۴۰-۳۳۹)

۳-۶- نظریه شهرهای انگلی و زایا

تأثیرات جانبی یا تأثیر بر (سیر قهقرایی) روستاها که در نتیجه‌ی عملکردهای سیاست قطب رشد در حوزه‌های روستایی به وجود می‌آید، نظریه‌ی «شهرهای زایا یا شهرهای انگلی» را مطرح می‌کند که برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ به وسیله‌ی بی. اف. هوزلیتز^۱ بیان شده است. در این نظریه، شهرهای زایا به شهرهایی اطلاق می‌شود، که تأثیرات مفید و مثبتی در حوزه‌ی نفوذ خود می‌گذارند و برعکس، شهرهای انگلی به شهرهایی گفته می‌شود، که باعث سیر قهقرایی حوزه‌های روستایی می‌گردند. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۳)

شهر زایا در رشد اقتصادی منطقه‌ای که در آن واقع است، مشارکت می‌کند، حال آنکه شهر انگلی چنین نقشی ندارد. شهر زایا (مولد) مقادیر قابل توجهی از ارزش اضافی انباشته شده در خود را به سرمایه‌گذار بهایی که سبب گسترش تولید می‌شوند اختصاص می‌دهد. سرمایه‌گذاری می‌تواند در خود شهر و یا مناطق روستایی اطراف آن اتفاق افتد. (پاپلی یزدی، سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۴)

شهرهای انگلی با شکلی از سازمان‌یابی اجتماعی و اقتصادی مشخص می‌شوند، که اغلب از طریق فعالیت‌هایی که به وضوح از نظر اقتصادی غیر مفید هستند، تنها به مصرف مازاد اجتماعی مشغولند. یک شهر انگلی بیش از آنکه باز تولید گسترده راه، که پیشرفت تمدن و اقتصاد را موجب می‌شود انجام دهد، درگیر باز تولید ساده است. (هاروی؛ ۱۳۵۸، ۲۵۱-۲۵۰)

در شهرهای انگلی جهان سوم، همواره میان شهر انگلی و منطقه نفوذ آن در مبادله مازاد، عدم توازن دیده می‌شود و توزیع مجدد مازاد از حوزه‌های پیرامونی به طرف شهر انگلی صورت می‌گیرد. نخبگان و قدرتمندان در مادرشهرهای بزرگ یا شهرهای مسلط زندگی می‌کنند و در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری در این شهرها، این افراد بر کل جامعه تسلط می‌یابند و تقسیم کار و قشربندی میان شهر و حوزه‌های روستایی به موازات تقسیم کار و قشربندی در داخل مادرشهرها تکمیل می‌شود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۴۵۳)

۳-۷- نظریه قطب رشد و روابط شهر و روستا

مفاهیم ارائه شده در نظریه‌ی قطب رشد در زمینه‌ی رشد اقتصادی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تعادل و توسعه منطقه‌ای در دهه ۱۹۶۰ است که ابتدا فرانسوا پرو و سپس میردال و هیرشمن و بعد بودویل آن را مطرح کردند و به سطوح پایین‌تر یعنی فضاها و روستایی و در قالب مراکز رشد تعمیم داده شد. روابط بین سکونتگاه‌های مرکزی در نواحی روستایی با حوزه نفوذ آنها، به عنوان عامل توسعه یا بازدارنده آن، با توجه به نیروهای جذب و پخش در این نظریه تبیین گردید. (رضوانی؛ ۱۳۸۳، ۱۱۲)

نظریه‌ی قطب رشد بر سرمایه‌گذاری کلان در صنعت، در بزرگترین شهرها تأکید دارد. در این نظریه، دولت‌ها می‌توانند انگیزه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورند. این رشد اقتصادی در خارج از مراکز شهری انتشار می‌یابد و باعث توسعه اجتماعی-اقتصادی ناحیه‌ای می‌گردد. بدین سان در نظریه‌ی قطب رشد به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی شهرها باعث توسعه‌ی

1 - B.F.Hoselitz

اجتماعی-اقتصادی روستاها گردد. این نظریه، بر عملکرد نیروهای بازار آزاد که تأثیرات جانبی آن، محرک توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی در سراسر یک ناحیه است، تکیه دارد. (Walter and Taylor, 1981, 15-36) در نظریه‌ی قطب رشد، سرمایه‌گذاری در صنعت به منزله‌ی موتور توسعه برای فعالیت‌های کشاورزی و تجاری مورد توجه قرار می‌گیرد و در آن سرمایه و نیروی کار جابه‌جا می‌شود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۲)

۳-۸- نظریه استور و تیلور در روابط شهر و روستا (توسعه از پایین)

والتربی- استور^۱ از دانشگاه اقتصاد وین- و دی. فرزر تیلور^۲ استاد جغرافیا در دانشگاه کارلتون^۳ اتاوا در برابر نظریات راندینلی، معتقدند سیاست توسعه از بالا (شهر) باید با سیاست توسعه از پایین و به صورت یکپارچه عملی شود تا بیشتر عدالتخواهانه و منصفانه جلوه کند. به نظر دو محقق، استراتژی توسعه از پایین، توسعه بر پایه حداکثر تحرک در منابع انسانی، نهادی و طبیعی ناحیه و هدف آن تأمین نیازهای اصلی ساکنان هر ناحیه است، که به طور مستقیم در مسیر مسائل مربوط به فقر و کنترل آن از پایین جهت‌گیری می‌کند. این استراتژی برای مرکزیت روستایی، تکنولوژی مناسب، رشد انتخابی، توزیع عادلانه منابع، خود کفایی، به وجود آوردن فرصت‌های اشتغال و از همه مهمتر برای شأن و مقام انسانی ارزش بسیاری قائل است (Walter and Taylor, 1981, 453-454) با مطالعه نظریات استور و تیلور در زمینه روابط شهر و روستا، در امر توسعه می‌توان به چند ویژگی بدین شرح اشاره کرد:

- ۱- تکیه بر منابع طبیعی و انسانی ناحیه؛
- ۲- اولویت بخشی به نیازهای اصلی همه ساکنان ناحیه اعم از شهری و روستایی؛
- ۳- تضمین بکارگیری تولیدات روستایی؛
- ۴- دگرگونی در کیفیت و کمیت شیوه زندگی همه اعضای جامعه اعم از شهری و روستایی؛
- ۵- تصمیم‌گیری حوزه‌های روستایی و کاهش تصمیم‌گیری‌های شهری نسبت به حوزه‌های روستایی. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۷)

۳-۹- نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک^۴

هانس بوبک را میتوان از جمله پیشگامان نظریه‌پردازی علمی در جغرافیای اقتصادی و اجتماعی به شمار آورد. بوبک نظریه‌ی مراحل شکوفایی اجتماعی و اقتصادی جوامع را بر اساس محتوا و عملکرد بردارهای اصلی جوامع در شش مرحله به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- معیشت مبتنی بر شکار؛
 - ۲- مرحله‌ی ورزیدگی در شکار، صیادی و گردآوری خوراک؛
 - ۳- مرحله‌ی کشاورزی عشیره‌ای با فعالیت‌های جانبی در زمینه‌ی دامداری و شبنایی؛
 - ۴- مرحله‌ی جامعه‌ی کشاورزی با تشکیلات حکومتی سازمان یافته؛
 - ۵- مرحله‌ی عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری؛
 - ۶- مرحله‌ی سرمایه‌داری مولد، جامعه‌ی صنعتی و عناصر شهری جدید. (رهنمایی؛ ۱۳۷۳، ۱۹-۱۸)
- طبق این نظریه، منطقه‌ی نفوذ و تسلط یک شهر، روی مناطق اطراف از ادوار گذشته، فقط در مفهوم سیاسی آن واقعیت پیدا می‌کرد. این سازمان‌دهی که حتی قبل از اسلام نیز وجود داشته است، تحت نام فئودالیزم نوع شرقی، اصطلاحاً "سرمایه‌داری بهره‌بری معروف شده است. این دانشمند عقیده دارد، که تسلط اقتصادی و اجتماعی شهر بر روستا به وسیله‌ی مالکان بزرگ ساکن شهر اعمال می‌شود. طبق این نظریه نقش‌های شهری چیزی جز روستا نبوده و موجودیت آنها اساساً ناشی از حوزه نفوذ آنهاست و از این حوزه نفوذ است، که شهر، قسمت اعظم نیروی محرک برای رشد و توسعه اقتصادی و نیز ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خاص خود را دریافت می‌دارد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۵)

۳-۱۰- استراتژی تأمین نیازهای اصلی در روابط شهر و روستا

1- Walter B. Stohr
 2- D. Fraser Taylor
 3- Carleton
 4- Hans Bobek

در استراتژی تأمین نیازهای اصلی، توزیع مجدد درآمد و ثروت، بخش لایتنجری سیاست توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و تأمین نیازهای اصلی همه مردم یک کشور، که فقیرترین طبقه جامعه را نیز شامل می‌شود، جزء اهداف آن است. در اینجا به طور خلاصه، اهداف اصلی نظریه استراتژی توسعه بر پایه تأمین نیازهای اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- این استراتژی در واقع یک سلسله طرحهای ویژه برای مردم فقیر جامعه ارائه می‌دهد؛
- ۲- این نظریه، بیشتر بر تأمین نیازهای مصرفی طبقات فقیر و کم درآمد و افزایش خدمات عرضه شده به این مردم، به ویژه در حوزه های روستایی تأکید دارد؛
- ۳- در این استراتژی، به اشتغال طبقه فقیر و کم درآمد جامعه اهمیت بسیاری داده می‌شود و در آن بخشهای مدرن که برای این طبقه اشتغال زا نیست، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
- ۴- در این نظریه، اولویت با روستاهای فقیر، عملکردهای محلی و بومی و درنهایت با سیستمهای اعتقادی است. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۸)

در تبیین دیدگاههای استراتژی توسعه بر پایه تأمین نیازهای اصلی، چنین گفته می‌شود: لازم است، فرصتهای زندگی بهتر برای همه مردم جامعه فراهم آید و درآمدها و ثروتها تعدیل می‌شود؛ زیرا توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها، باعث گسترش عدالت اجتماعی می‌شود و بازده تولید و سطح اشتغال جامعه را افزایش می‌دهد. توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها و افزایش سطح اشتغال، استفاده از تحصیل، بهداشت و درمان، مسکن و رفاه اجتماعی، همچنین حفاظت از محیط زیست را ممکن می‌سازد. از دیدگاه این استراتژی لازم است، در جامعه به همراه رشد سریع اقتصادی، دگرگونیهای ساختاری و کیفی صورت بگیرد تا باعث کاهش تفاوت‌های ناحیه‌ای و اجتماعی - هدف نهایی استراتژی توسعه - گردد. (پیشین، ۳۱۹-۳۱۸)

۳-۱۱- برنامه اسپارک در چین (تفکرات مائوئیستی و نئو مائوئیستی)

در شیوه تفکر مائویی نقش بین شهر و روستا به عنوان تضادی درجه اول، در سازمان‌یابی اجتماعی خلق به شمار می‌آید، تضادی که مشتمل بر سه اختلاف عمده است:

- ۱- اختلاف بین مناطق شهری و مناطق روستایی؛
 - ۲- اختلاف بین صنعت و کشاورزی؛
 - ۳- اختلاف بین کارفکری و کاریدی. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۳)
- یکی از مسائل اساسی سیاست چین از سال ۱۹۵۷ یگانه کردن شهر و روستا (به منظور بر طرف کردن تعارض شهر و روستا به شیوه‌ای که مارکس وانگلس در نظر داشته اند) بوده است. دولت چین برنامه‌ی اسپارک را برای از بین بردن عقب ماندگی روستایی به اجرا گذاشته، که هدف آن توسعه‌ی اقتصاد در روستا با اتکاء به علم و فناوری‌های پیشرفته و قابل انطباق برای بهره‌برداری از منابع طبیعی مورد نیاز بازار است. (پیشین؛ ۲۸۴) «از ویژگی‌های بارز این برنامه، اشتغال زایی از طریق استفاده از وجود اندیشمندان دانشگاه‌ها و موسسات علم و فناوری و دانشجویان و محققان است. این امر نهایت بهره‌وری را به عمل می‌آورد، نه تنها باعث تلفیق هر بیشتر علم و فناوری با تولید می‌شود، بلکه شهر را با روستا ارتباط می‌دهد.» (یوزنیگ، یان؛ ماهانه جهاد، ش ۱۷۵، ۵۴-۵۵)

۳-۱۲- نظریه‌ی کارکرد های شهری و توسعه‌ی روستایی

در دهه‌ی ۱۹۸۰ «دنيس راندينلی»^۱ با الهام از نقاط اساسی و مثبت نظریات مهم توسعه‌ی منطقه‌ای اقدام به ارائه‌ی الگوی تحت عنوان (یوفرد)^۲ کرد، که تأکید آن بر استفاده از عملکردهای شهری در توسعه‌ی مناطق روستایی است. یوفرد تأکید می‌کند، که بایستی دسترسی به دامنه‌های وسیعی از عملکردها و امکانات برای تعداد زیادی از مردم (بدون این که تمامی آنها در سکونتگاه موجود باشند) امکان پذیر شود. هدف اولیه یوفرد، گسترش فرایند تجزیه و تحلیل فضایی است، که بتوان به آسانی در شرایط حاکم بر مناطق محروم از آنها استفاده کرد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۷) راندينلی می‌گوید: اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست؛ زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته است. از طرفی بیشتر عوامل تولید از امکانات سازمانهای شهری بهره‌مند می‌شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی مانند بهداشت و درمان و آموزش و غیره که در حوزه‌های روستایی توزیع می‌گردد از مراکز شهری به دست می‌آید؛ از این رو پیشنهاد می‌کند، در صورتی که دولتها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذارها را تقویت کنند و این امر از طریق عدم تمرکز و سیستم یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و امکان دسترسی به بازارها را برای مردمی که در همه بخشهای کشور یا ناحیه زندگی می‌کنند فراهم می‌آورد. (Rondinelli, :28-40)

^۱ -Dennis Rondinelli

^۲ - UFRD

راندینلی وابستگی‌ها را بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ لازم می‌داند. نظریات دنیس راندینلی از طرح‌های مربوط به کشورهای فیلیپین، بولیوی و ولنای علیا (بورکینافاسو) تأثیر پذیرفته است. اساس کار وی در این تحقیقات، نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی بود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۶-۳۱۵)

۱۳-۳- ماتریالیسم تاریخی و تقابل شهر و روستا

مارکسیست‌ها زیر ساخت اقتصادی و تشکیل مازاد را لازم‌ترین و تعیین کننده‌ترین شرط پیدایش شهرنشینی به حساب می‌آورند به طور کلی از نظر ماتریالیسم تاریخی شهر به عنوان سازمان‌یابی فضای تقسیم کار در یک شیوه‌ی تولید معین در نظر گرفته می‌شود. پس هنگامی که مارک و انگلس از شهر صحبت می‌نمایند، به تقسیم کار و اشکال مختلف مالکیت توجه دارند. براساس خطوط اصلی مطالعات و نظریه‌ی آنان، عظیم‌ترین نوع تقسیم کار مادی و فکری جدایی شهر و روستاست. شهر محل کنترل مالی و به همین ترتیب کنترل ایدئولوژیک است. (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۹-۲۶۸) «شهر را واقعیت تمرکز جمعیت، تمرکز ابزار تولید یا تمرکز سرمایه، تمرکز لذات و تمرکز احتیاجات به وجود می‌آورد، در حالی که روستا انزوا و پراکندگی را ارائه می‌دهد. تمرکزی که شهر ارائه می‌دهد، نمایانگر لزوم سازمان دادن است. شهر لزوماً این سازمان را به خصوص به خارج از خود و به روستایی که بیش از پیش تحت تسلطش است، تمیم می‌دهد». (رمی ژان؛ ۱۳۵۸، ۸۳-۸۲)

۱۴-۳- نظریه‌ی وقف و رابطه‌ی شهر و روستا

سابقه‌ی وقف به دوران ظهور اسلام و روزگار پیامبر(ص) می‌رسد. «وقف حبس عین ملک یا مال، به گونه‌ای که خرید، فروش یا گروگذاری آن ممکن نباشد و حاصل بهره برداری از آن صرف اموری شود، که واقف نیت کرده است». (فرهنگ، منوچهر؛ ۱۳۷۴، ۶۰۶) اسلام از عواطف و ایمان مردم استفاده کرده و مالکیت‌های خصوصی را به سمت مصالح عمومی سوق می‌دهد. بنابراین گسترش وقف در حقیقت، گسترش مالکیت‌های عمومی است و بسط این‌گونه مالکیت‌ها از ابزار مهم دستیابی به تعادل اجتماعی و اقتصادی است. (سلیمی فر؛ ۱۳۷۰، ۱۷۶)

«با این که سابقه‌ی وقف به روزگار پیامبر اسلام (ص) می‌رسد، جریان شهرنشینی و شکل‌دهندگی شهری آن در مقیاس وسیع به دوران عثمانی و صفوی بر می‌گردد». (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۵۸)

«ملاکان و از جمله شاه عباس، املاک خود را به موقوفه تبدیل می‌کردند تا مالیات ندهند و هم چنین مشمول قوانین ارث قرارنگیرد و مصادره نشود». (فوران؛ ۱۳۷۷، ۵۷)

«از اواسط دوره‌ی قاجاریه شاهد تقویت جنبه‌های دولتی وقف هستیم». (قدیری؛ ۱۳۶۹، ۴۳)

وقف منجر به اصلاح اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی و تعدیل ثروت می‌شود. مالکیت بسیاری از آثار و عناصر شهری که در زمره‌ی موارث فرهنگی و تاریخی کشور به شمار می‌روند، وقفی است، اما همه‌ی این دستاوردهای بیشمار که در شهرها و بیرون شهرها وجود دارد، ریشه‌ی آن در روستاها نهفته است. اسناد وقفنامه‌های بسیاری گواه بر آن است، که بسیاری از این محلات از محل درآمد موقوفات روستاها ساخته شده‌اند. در زمینه‌ی رابطه‌ی شهر و روستا، استفاده از بهره‌ی مالکانه و اجاره در چهار چوب نظام سرمایه‌داری بهره‌بری از روستا وجود داشت. «خود وقف یکی از عوامل عمده‌ی تحکیم رابطه‌ی شهر و روستاست». (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۰-۲۵۹)

۱۵-۳- نظریه فناوری‌های نابرابر و پیدایش سکونتگاهها

سعید زاهد، جامعه‌ی ایران پیش از انقلاب اسلامی را براساس این نظریه بررسی کرده است. وجود نابرابری در فناوری حاکم بر جامعه، علت پیدایی حاشیه نشینی است و چون فناوری تابع نظام روابط اجتماعی است، پس نابرابری در این نظام به حاشیه نشینی می‌انجامد». (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۵۶-۲۵۵) «اگر روابط اجتماعی در یک جامعه خصلتاً تمرکزگرا باشد، فناوری نیز به شکل تمرکزگرا تنظیم شده و به همین نحو به کار گرفته می‌شود و به این ترتیب، توزیع امکانات نیز به صورت متمرکز و یا به عبارت دیگر به صورت قطبی انجام می‌گیرد. این امر مراکزی را ایجاد می‌کند، که از امکانات فراوانی برخوردارند و در مقابل نقاطی پدید می‌آیند که از امکانات بسیار اندکی بهره مند هستند. به این ترتیب اختلاف بین سکونتگاههای مختلف به وجود آمده و عده‌ای شهرنشین، عده‌ای روستانشین و عده‌ای دیگر حاشیه نشین می‌شوند. شدت اختلاف بین این سکونتگاهها، به میزان شدت در تمرکزگرایی روابط اجتماعی باز می‌گردد. هرچه از میزان تمرکزگرایی کاسته شود، از گسترش و شدت اختلاف بین انواع سکونتگاهها کاسته می‌شود». (زاهد زاهدانی؛ ۱۳۶۹، ۲۶)

۴- روابط شهر و روستا از آغاز تاکنون

۴-۱- روابط شهر و روستا در دوره‌ی قبل از ورود اسلام

الف- دوره‌ی ماد: در دوره‌ی مادها تفاوت چندانی بین جوامع شهری و روستایی وجود نداشت. شاید بتوان گفت؛ تنها تفاوت میان شهر و روستا در این دوره را انبوهی جمعیت و استقرار نیروهای نظامی و حکومتی در شهر دانست. در این دوره هنوز تقسیم کار به وجود نیامده بود و بنیان اقتصادی شهر بر مبنای کشاورزی و زراعت بود. روی هم رفته شهر نشینی و روستا نشینی در دوران ماد به لحاظ عدم ثبات سیاسی مداوم، رونق چندانی نداشت. درگیریهای قومی و قبیله‌ای در حوزه سیاسی دولت ماد و حمله‌ی دشمنان بیگانه به شهرها نقش اداری و نظامی محول می‌نموده است. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۴۲-۳۹-خلاصه)

ب- دوره‌ی هخامنشیان: بنیان اقتصادی کشور در این دوره بر مبنای کشاورزی بود و چون روستائیان پرداخت کننده اصلی هزینه‌های کشوری و لشگری بوده‌اند، از سوی شاهان هخامنشی مورد توجه خاص قرار می‌گرفته‌اند. زندگی در شهر هخامنشی مترادف با جدایی از کار و تولید کشاورزی بوده است، به طوری که حتی کودکان و زنان در ساختن بناهایی برای طبقه ممتاز به بیگاری گرفته می‌شدند و در این بین، جامعه روستایی تأمین کننده مواد غذایی شهرها و سربازانی بود، که به طور دائم در ارتش هخامنشی خدمت می‌کردند. کنترل جوامع روستایی نیز توسط وابستگان و پادشاهان صورت می‌گرفت. (پیشین؛ ۵۴-۴۲، خلاصه)

در زمان هخامنشی تقسیم کار میان کشاورزی، صنعت و تجارت در اجتماعات شهری و روستایی وجود نداشت، در نتیجه تمایز و کشاکش میان شهر و ده به چشم نمی‌خورد. (دهاقانی؛ ۱۳۷۴، ۱۶)

ج- دوره‌ی سلوکیان: در دوره‌ی سلوکیان روزبه‌روز فاصله میان طبقات کم درآمد ساکن در روستا و طبقات مرفه‌نشین ساکن شهرها که اکثراً یونانی بودند، زیادت‌تر شد. طبقات کم درآمد، فشار سنگین مالیاتها را تحمل می‌کردند. بتدریج کشمکش بین دو جامعه شهری و روستایی به وجود آمد. (پیشین؛ ۸)

د- دوره‌ی اشکانیان: در زمان اشکانیان بنیان اقتصادی کشور، نخست بر کشاورزی و سپس بر صنعت استوار بود. شهرها در این دوره، طبقاتی را در خود جای دادند، که جدای از روستائیان و کشاورزان اطراف شهرها، تنها به امور تجارت و بازرگانی، که به عنوان وظیفه‌ای به شهرها محول شده بود، اشتغال داشتند. از طرفی شهرها شدیداً به مازاد کشاورزی روستا وابسته شدند، چرا که تغییر نقش آنها استفاده از تولیدات زراعی و دامپروری را ایجاب می‌کرد. (پیشین؛ ۹)

ه- دوره‌ی ساسانیان: در دوره‌ی ساسانیان سیستم اقتصادی کشور از برده‌داری به فئودالیزم تغییر یافت. نضج روابط فئودالی، جدایی صنایع دستی از کشاورزی را موجب گردید، چه اغلب کشاورزان روستایی به سبب فشار مالکان، خود روستاها را ترک نموده و به مراکز شهری روی می‌آوردند، که از رونق تجاری و بازرگانی برخوردار بودند. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۵۲)

۴-۲- روابط شهر و روستا در دوره‌ی بعد از ورود اسلام

مفهوم منطقه شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام متجلی شده، که عبارت بود از روابط بین شهر و روستا بر اساس مبادله مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجین مذهبی و... بین یکدیگر و نفوذ شهر در روستاها و شهرهای کوچک اطراف. در شهرنشینی دوره‌ی پس از ورود اسلام روابط استعمارگرانه‌ای که بین شهر و روستا در زمان ساسانیان برقرار بود، از بین رفت. در این دوره بین شهر و روستا آن چنان پیوند و همبستگی ایجاد شد، که این به عنوان یکی از وجوه تمایز شهرنشینی این دوره با شهرنشینی در اروپا به شمار می‌رود. در دوره پس از ورود اسلام جدا از مسجد جامع و منبر که وجه تمایز شهر از روستا بود، بین عملکردهای شهر و روستا تداخل و تشابه وجود داشت. (ملائی؛ ۱۳۸۳، ۶۲)

ارتباطات شهرهای اسلامی با روستاهای حوزه نفوذ به نظر آقای دکتر شکویی به سه طریق زیر بوده است:

۱- تعداد زیادی از روستاهای حوزه نفوذ مواد غذایی شهر را تأمین می‌کردند، این روستاها نظم، امنیت و قانون را از شهر طلب می‌کردند و شهر امنیت روستاها را تأمین می‌کرد.

۲- شهر از طریق علمای اسلامی و مفسران قرآن با روستاها در ارتباط بود.

۳- فروشندگان و بازرگانان شهری با روستاها در جهت خرید تولیدات روستایی و فروش فرآورده های شهری در ارتباط بودند. (شکویی؛ ۱۳۷۲، ۲۰۳)

توافق کامل، هم زیستی و وحدت چند سویه شهر با روستاهای اطراف خود در دوران حکومت صفویان به اوج خود رسید. از زمان سقوط حکومت صفوی قدرت به دست قبایلی افتاد، که تا اوایل قرن سیزدهم هجری یکی پس از دیگری بر خطه های از کشور حکومت می کردند. در قرن دوازدهم هجری یعنی قرن حکومت قبایل و قری که جنگ و قتل و غارت مایه های مباحات بود، صفت شهری یا میرزا، مانند یک اصطلاح خفت آور استعمال می شد. (حبیبی؛ ۱۳۷۵، ۱۰۴)

در دوره ی قاجاریه، شهر در معنای اروپایی آن، در تقابل با روستا چهره می نماید. شهر به عنوان مرکز اداری-حکومتی و تجاری-بازرگانی، بیش از آن که در ارتباط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با روستاها و منطقه تابعه خود باشد، متأثر از شرایط ورود و گردش کالا و سرمایه ی خارجی است. (پیشین؛ ۱۱۹)

۳-۴- روابط شهر و روستا در دوران معاصر

در این بخش از تحقیق روابط شهر و روستا در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ بررسی شده است.

الف- رابطه ی شهر و روستا در سال ۱۳۲۰-۱۳۰۰: در آغاز گذار از سرمایه داری در ایران، یعنی در آغاز روی کار آمدن رضا شاه، جامعه ی ایران عمدتاً پیش سرمایه داری بود. روستاها در این دوره مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت به حساب می آمد، که ۷۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده بود. شهرها عمدتاً مراکز تجارت (داخلی و خارجی) و نیز مرکز سیاسی حکومت به شمار می رفتند. در این دوره هنوز ۸۰ درصد از تولید داخلی در بخش کشاورزی تولید می شد. رضا شاه تقریباً فقط حیات شهری را دستخوش تحول ساخت. ادارات مختلف، کارخانجات و صنایع، چهره ی شهر و نیز ساخت اشتغال شهری را دستخوش تحول ساختند. افزایش سریع وسایل حمل و نقل و وسایل نقلیه ی شهری بیش از پیش چهره ی سنتی شهرها را دگرگون می ساخت. یگانه تأثیر تحولات این دوره در زندگی روستایی، سربازگیری اجباری بود. رشد بازار مصرف شهری یکی از عوامل رشد و افزایش مازاد کشاورزی در این دوره بود. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۳۸-۴۰) رونق تجارت در شهرها، که به دلیل گسترش زیرساخت های ارتباطی و برقراری امنیت سیاسی در این دوره تشدید شده است، باعث وابستگی حیات روستایی به رونق شهری می گردد. بنابراین شهر در این دوره به صورت مکان تحقق مدرنیزاسیون و روستا به صورت مکان ابقای شیوه های کهن تولید ظاهر می گردد. لذا در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ بازتاب فضایی غلبه داشتن شبکه ی محلی و استخراج و تمرکز مازاد، همانا شبکه های نسبتاً موزون از شهرها و روستاهاست. (پیشین؛ ۴۳-۴۱)

ب- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰: شروع حرکت های مهاجرتی و آغاز شهرنشینی معاصر ایران، مقارن سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است. این دوره، دوره ی وقفه در روند مدرنیزاسیون و رکود اقتصادی است. از آنجا که روند مدرنیزاسیون عمدتاً روندی شهری بود، در این دوره به طور کلی حیات شهری دچار رکود می شود. بر اثر جنگ جهانی، تجارت خارجی از رونق افتاد. با کاهش شدید میزان تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه ی کشاورزی از یک سو ورود متفقین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن، رابطه ی سازمان یافته ی شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی روستایی یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد. این گسیختگی نیز باعث کاهش نقدینه کاری و نزول سطح فعالیت های کشاورزی می شود. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۴۳-۴۴) گسترش امکانات بهداشتی، میزان مرگ و میر در روستاها را کاهش داد و با ثابت بودن میزان زاد و ولد، جمعیت روستایی رو به افزایش گذارد. در مقابل این افزایش جمعیت، فعالیت های کشاورزی نه تنها گسترش نیافت، بلکه دچار انقباض نیز شد. حاصل این هر دو، آغاز روندهای مهاجرتی از دهه ۱۳۲۰ در ایران است. (پیشین؛ ۴۵) گسیختگی رابطه ی شهر و روستا و اتکاء روزافزون شهر به مازاد اقتصادی غیر کشاورزی، که تا به امروز در ایران ادامه پیدا کرده است، از همین دوره آغاز می شود. روند در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی ایران از این دوره آغاز می شود. از این دوره به بعد با تثبیت نقش نفت (خاصه پس از کودتای ۱۳۳۲) به عنوان محصول صادراتی ایران، بخش کشاورزی دیگر مجال رونق و تبدیل شدن به بخش صادراتی را پیدا نکرد و به طور روزافزون در حاشیه قرار گرفت. این امر به طور روزافزونی باعث تشدید گسیختگی شبکه شهری و شبکه تبادلات شهر و روستا می شود. (پیشین؛ ۴۷-۴۶)

ج- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۴۰-۱۳۳۲: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در گسیختگی شبکه استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی کشاورزی، نقطه عطفی به حساب می آید، چرا که از این دوره به بعد با تداوم یافتن روند مدرنیزاسیون در حقیقت زمینه ی تبدیل نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم آمد. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۴۷) در این دوره علی رغم گسترش نسبی فعالیت های کشاورزی، مازاد اقتصاد روستایی دیگر تعیین کننده ی روند شهرنشینی نیست. از این دوره به بعد شهر با اتکاء به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می گردد. با گسترش روز افزون تجارت خارجی و سرمایه گذاری ها و وام های خارجی، شهرها هرچه

بیشتر به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) تبدیل شدند و در نتیجه هر چه بیشتر مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و نوسانات آن به حیات خود ادامه دادند. (پیشین؛ ۴۸-۴۷)

با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآور در شهرها پدید آمد. در این دوره مقام کشاورزی در ساخت اقتصادی رو به تنزل می‌رود و این امر باعث افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی و سپس مهاجرت می‌شود، از سوی دیگر رونق شهری امکان جذب نسبی مهاجران روستایی را فراهم می‌آورد. برخلاف دوره‌ی قبلی که به دلیل رکود شهری میزان شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر چندان زیاد نبود، در این دوره میزان مهاجرت بیش از دوره‌ی قبلی است. (پیشین؛ ۴۸)

د- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۴۰: شهرنشینی دوران معاصر ایران از اصلاحات ارضی دهه‌ی ۴۰ آغاز می‌شود. تحولاتی که در روستا به دنبال اصلاحات ارضی صورت گرفت، همه به جدایی هرچه بیشتر نیروی کار از فعالیت‌های کشاورزی و روستایی انجامید. تقسیم زمین میان دهقانان صاحب نسق، موجب بی‌زمین ماندن روستاییان فاقد نسق شد. رواج پول و مبادلات نقدی در نزد روستاییان که بعد از اصلاحات ارضی به مراتب تشدید شد و آنها را وابسته به اقتصاد پولی ساخت. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۶۰-۵۹) شهرها در این دوره مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی هستند. برنامه‌های عمرانی در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و بین شهری و در مرحله‌ی بعد صرف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شد. عدم مهارت نیروی کار روستایی از یک سو و رونق مشاغل ساختمانی و مشاغل حاشیه‌ای (مشاغل سازمان نیافته و اتفاقی) جاذب مازاد جمعیت روستایی شد. (پیشین؛ ۶۱-۶۰) بدین ترتیب تأثیرات متقابل تحولات شهر و روستا در این دوره به شکل حلقه‌ای از روابط علت و معلول درآمد و باعث تشدید شهرنشینی و مهاجرت‌های داخلی در این دوره شد. در این دوره، رونق شهری از یک سو و کاهش اهمیت کشاورزی و فروپاشی روابط سنتی در روستا از سوی دیگر به روندهای مهاجرتی نیز دامن می‌زند. (پیشین؛ ۶۲-۶۱)

۵- بحث و نتایج مقایسه روابط شهر و روستا در ایران و کشورهای اروپایی

یکی از وجوه تمایز شهرنشینی در ایران بعد از اسلام با شهرنشینی در اروپا، رابطه شهر و روستا است. در اروپا شهرها واحدهای مستقل و خودگردان بوده و بیشتر جایگاه کسبه و پیشه‌وران بود، در حالیکه مرکز اساسی قدرت در دوره‌ی فتودالی، در روستا بود که قلعه‌ی ارباب (فتودال) در آنجا قرار داشت. بدین ترتیب شهر و ده از نظر پایگاه قدرت سیاسی و مالی از یکدیگر جدا بوده و جدا بودن آنها از هم موجبات رشد و نمو خودفرمانی شهرنشینان و کشمکش آنها با فتودال شد. در دوران جدید اروپا که شهرهای غربی در مسیر صنعتی شدن قرار گرفتند، تمایز میان شهر و روستا رفته‌رفته بیشتر شد و روستاها روی سنن قدیمی، واحدهای اقتصادی و اجتماعی خودبسنده‌ای به شمار می‌آمدند. (ملایی؛ ۱۳۸۳، ۶۶)

مطالعات انجام شده درباره‌ی روابط شهر و روستا در دوره‌ی اسلامی در ایران و بعضی دیگر از کشورهای اسلامی ویژگی‌های زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

- ۱- شهر و روستا هرگز موجودیتی مستقل از هم نداشته و همواره بین آنها روابط چند جانبه‌ای با واکنش‌های متعدد، متقابل و مکمل وجود داشته است. (اشرف؛ ۱۳۵۲، ۴۱)
 - ۲- از نظر فرهنگ نیز شهر و روستا فرهنگ مشترکی داشته‌اند، در عین حال که تفاوت‌هایی نیز میان فرهنگ شهری و فرهنگ روستایی وجود داشته است. البته باید توجه داشت، که گسترش زندگی شهرنشینی در دوره‌ی جدید، تفاوت میان شهر و روستا را زیادتر کرده است.
 - ۳- از نظر اقتصادی نیز جدایی میان کار داد و ستد و کشاورزی از یک سو و کار داد و ستد و صنعت از سوی دیگر، در اجتماعات روستایی به طور کامل پدید نیامده است. شهر و روستا در ایران بعد از اسلام دارای کارکرد مشترکی بوده‌اند و خصلت کاملاً متمایز تولیدی میان شهر و روستا وجود نداشته است (سلیمانی؛ ۱۳۷۶، ۳۷)
 - ۴- از نظر اجتماعی رابطه و پیوند شهر و روستاهای هر منطقه به امور اقتصادی منحصر نبوده است، بلکه در زمینه‌های اجتماعی نیز میان آن دو ارتباط و نوعی هم‌بستگی وجود داشته است. هم‌بستگی روستاییان با اهالی شهرها در اغلب موارد بر پیوندهای مذهبی و فرقه‌ای استوار بوده است. (سلطان زاده؛ ۱۳۷۲، ۲۲)
- بنابراین شهر و روستا در ایران تا اوایل سده‌ی بیستم نه تنها موجودیتی مستقل نداشتند، بلکه در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اداری و اقتصادی همواره پیوند و ارتباط متقابل با یکدیگر داشته‌اند و با هم تشکیل یک منطقه‌ی کارکردی واحدی می‌داده‌اند. مطالعات نشان داده‌اند، که رابطه‌ی متقابل میان شهر و روستا تا اواخر دوره‌ی قاجاریه وضع نسبتاً ثابتی داشته است ولی از اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی در اثر رویکرد به فرهنگ و ارزش‌های غربی و تعمیم آن در تمامی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی ایران و به کار بستن الگوی توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی شبه سرمایه‌داری نظام کهن حاکم بر جامعه‌ی ایران از جمله (نظام رابطه‌ی شهر و روستا) دگرگون گشته و نظام جدیدی بر رابطه‌ی شهر و روستا حاکم شد. (ملایی؛ ۱۳۸۳، ۶۷)

نتیجه گیری

به طور کلی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط شهر و روستا در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. بنابراین در بررسی روابط روستایی- شهری در مناطق مختلف باید شرایط خاص را در کنار قانونمندی‌های کلی و عام در نظر گرفت. در کشور ما با توجه به ویژگیهای خاص جغرافیای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط بین آنها با کشورهای صنعتی و پیشرفته متفاوت بوده و بنابراین این نظریات، بصورت کلی قابل تعمیم به روستاها و شهرهای کشور ما نیستند و روابط بین شهر و روستا در ایران با کشورهای جهان اول متفاوت است.

منابع

- ۱- اشرف، احمد؛ (۱۳۵۳)؛ ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران- دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران.
- ۲- افروغ، عماد؛ (۱۳۷۳)؛ شهری شدن و توسعه و نظریه شهری پیشنهادی مرکز- پیرامونی، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه، ج ۱، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
- ۳- بیوزینگ، یان، (بی تا)، برنامه اسپارک و توسعه منابع انسانی، ترجمه رحمانقلی قلی‌زاده، ماهنامه جهاد، شماره ۱۷۵، تهران.
- ۴- پاپلی یزدی، محمد حسین، رجبی سناجردی، حسین، (۱۳۸۲)؛ نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- ۵- پروین، سهیلا، (۱۳۷۵)؛ فقر زدایی از نگاه مکاتب اقتصادی، نشریه مجلس و پژوهش، س ۴، ش ۲۱، تهران.
- ۶- پناهی، رجب، (۱۳۷۸)؛ پایان نامه رابطه شهر و روستا در ایران و عوامل موثر در توسعه آن- مورد مطالعاتی شهرستان پارس آباد، مقطع ارشد، رشته جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۵)؛ از شار تا شهر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۸- حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی، (۱۳۷۷)؛ شهرنشینی در ایران، چاپ سوم، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
- ۹- دولفوس، البویه، (۱۳۶۹)؛ فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، تهران.
- ۱۰- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۷۴)؛ روابط متقابل شهر و روستا با تاکید بر ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۱- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.
- ۱۲- رمی، ژان، (۱۳۵۸)؛ بینش مارکس در مفهوم شهر(۲)، ترجمه مینا مخبری و محمدرضا حائری، گروه تحقیق و مطالعات شهری، تهران.
- ۱۳- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۷۳)؛ دولت و شهرنشینی: نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۹، شماره مسلسل ۳۲، تهران.
- ۱۴- ریتزر، جورج، (۱۳۸۰)؛ نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۵- زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۶۹)؛ حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- ۱۶- زنجانی، حبیب الله، (۱۳۶۶)؛ مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۱۷- زیاری، کرامت الله، (۱۳۸۴)؛ شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در کازرون، دانشگاه یزد، انتشارات گنج هنر، یزد.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، (۱۳۷۵)؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن- نتایج تفصیلی، شهرستان زنجان.
- ۱۹- سعیدی، عباس، (۱۳۸۳)؛ مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۰- سلیمانی، محمد، (۱۳۷۶)؛ پایان نامه رابطه شهر و روستا و تشخیص مکان‌های مرکزی در دشت گرمسار، مقطع ارشد، جغرافیای انسانی- اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۲۱- سلیمی‌فر، مصطفی، (۱۳۷۰)؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، تهران.
- ۲۲- شکوئی، حسین، (۱۳۷۲)؛ دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۳- شکوئی، حسین، (۱۳۷۵)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران.

- ۲۴- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۱): مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوازدهم، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- ۲۵- صرافی، مظفر، (۱۳۶۴): سیری در مباحث توسعه فضایی، با نگاهی ویژه به طرح آمایش سرزمین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۲۶- ضیاء توانا، حسن، (۱۳۶۹): نگاهی کوتاه به روستا و تحول آن در ایران، رشد آموزش جغرافیا، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- ۲۷- عابدین درکوش، سعید، (۱۳۶۴): درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۲۸- فرهنگ، منوچهر، (۱۳۷۴): فرهنگ علوم اقتصادی، نشر البرز، تهران.
- ۲۹- فشارکی، پریدخت، (۱۳۷۵): جغرافیای روستایی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۳۰- فنی، زهره، (۱۳۸۲): شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- ۳۱- فوران، جان، (۱۳۷۷): تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- ۳۲- قدیری، بهرام، (۱۳۶۹): احیاء فرهنگ وقف، با هدف تسهیل در مجتمع‌های زیستی، نشریه صفا، س ۱، ش ۱، تهران.
- ۳۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۶۵)، (۱۳۷۵): سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، تهران.
- ۳۴- مشهدی زاده دهقانی، ناصر، (۱۳۷۴): تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- ۳۵- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۲): برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- ۳۶- ملایی، خداکرم، (۱۳۸۳): بررسی نقش رابطه شهر و روستا در تکوین و گسترش شهر نورآباد دلفان با استفاده از GIS. پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، (منتشر نشده).
- ۳۷- مهدوی، مسعود، (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- ۳۸- مهندسین مشاور هامون پاد، (۱۳۷۲): طرح طبقه بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه عمران روستایی، تهران.
- ۳۹- نظریان، اصغر، (۱۳۷۴): جغرافیای شهری ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۴۰- ودیعی، کاظم، (۱۳۵۲): مقدمه‌ای بر روستا شناسی ایران، انتشارات کتابفروشی دهخدا، تهران.
- ۴۱- هاروی، دیوید، (۱۳۷۹): عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، چاپ دوم، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- 42- Armstrong, Warwick and T.G.McGee; (1985), "Theartres of Accumulation", Methuen.
- 43- Lang, Marvel; (1986), "Redefining Urban and Rural for the U.S. census of Population", Urban Geography; Vol.7, March.
- 44- Lipton, M; (1982), "Why Poor People Stay Poor", Hutchinson.
- 45- Rondinelli, Dennis A; (1984), "Cities, Markrt Town and Agriculture Dvelopment"; Regional Development Dialogue; Vol. 5, No. 1.
- 46- Stohr Walter Band D.R.Fraser Taylor; (19

